

# الگوهای نوشتاری کتیبه‌های سلطنتی اورارتویی

مریم دارا<sup>۱</sup>

## چکیده

کاتبان از دوران باستان معمولاً از الگوی ویژه‌ای در نوشتن آثار مختلف و استفاده از اصطلاحات خاص پیروی می‌کردند و نزد برخی اقوام این الگوها همچون قوانین نوشتاری باید در کتیبه‌ها اعمال می‌شدند. هدف از این مقاله مشخص کردن قوانین نوشتاری اورارتوها در الگوهای نوشتاری گوناگونی است که کاتبان اورارتویی در پدیدآوردن کتیبه‌های سلطنتی داشتند. دعا به خدایی بزرگ (معمولاً خالدی) در ابتدا و نفرین در پایان و استمداد از خدایان از جمله موارد رعایت شده در بیشتر کتیبه‌های سلطنتی اورارتویی است. در متن کتیبه‌های سلطنتی نیز «به قدرت خالدی»، «به بزرگی خالدی»، «به فرمان خالدی»، «من ... را گرفتم / شکست دادم»، «شاه ... را ساخت»، «من این کارها را در یک سال کردم»، استمداد از خدایان و نسب‌نامه شاه با آوردن نام پدرش آورده می‌شد.

**واژه‌های کلیدی:** الگوی نوشتاری، اورارتو، خالدی، کتیبه‌های سلطنتی، نفرین.

## ۱- مقدمه

پدیدآورندگان و کاتبان کتیبه‌ها، از گذشته تاکنون، عمدتاً قالب و الگویی خاص در خلق نوشته‌های خود داشتند. شیوه نوشتن و مطالبی که در کتیبه‌ها آورده می‌شود و استفاده از اصطلاحات خاص بنابر قوم پدیدآورنده، مکان جغرافیایی پراکندگی کتیبه‌ها، سطوحی که کتیبه‌ها بر آن نوشته می‌شدند، موضوع، باورهای پدیدآورندگان آثار، یا حتی زبان و خطی که کتیبه‌ها به آن نوشته می‌شدند ممکن است از روش خاص پیروی کنند و الگوهای همچون قوانین در کتیبه‌ها اعمال و تکرار شوند. برای دست یافتن به چنین الگوهایی باید کتیبه‌هایی از یک قوم یا منطقه شناسایی، نسخه‌برداری، ترجمه، بررسی و تحلیل شوند تا بتوان دریافت که چه الگویی مورد استفاده کاتبان آن کتیبه‌ها بوده است.

در این نوشته تلاش می‌شود نظرات مختلف درباره الگوی نوشتاری کاتبان اورارتویی در پدیدآوردن کتیبه‌های سلطنتی ارائه شود. بدیهی است از آنجا که نمونه‌های مشابه فراوانی در هر مورد از الگوها از شاهان مختلف وجود دارد نمی‌توان همه نمونه‌ها یا تعداد بسیاری از آنها را برای مثال ارائه کرد و تنها به ذکر چند نمونه از هر مورد اکتفا می‌شود.

<sup>۱</sup> - استادیار، فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشکده زبان‌شناسی، متون و کتیبه‌های کهن، سازمان میراث فرهنگی

## ۲- اورارتو

اورارتو در سنگ‌نوشته‌ها به شکل Ur-ar-tu یا U-ra-ar-tu آورده شده (سالوینی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲) که احتمالاً از Ur(u)atri گرفته شده است (گریکیان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶).<sup>۳</sup> منابع آشوری اصلی‌ترین منابع مطالعه تمدن اورارتوها است. متن‌ها و نقوش برجسته‌های آشوری، ما را در این امر یاری می‌کند (پیوتروفسکی<sup>۴</sup>، ۱۳۸۳: ۵۳-۵۴). قدیمی‌ترین کتیبه پادشاهان اورارتویی متعلق به ساردوری<sup>۵</sup> (حکومت ۸۴۰-۸۳۰ ق.م.)، پسر لوتیپری<sup>۶</sup>، در وان است که به زبان آشوری است. ولی اولین کتیبه اورارتویی اورارتوها کتیبه ایشپوینی<sup>۷</sup> (حکومت ۸۳۰-۸۲۰ ق.م.)، پسر ساردوری، است (میلیکشویلی<sup>۸</sup>، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۶) و قدیمی‌ترین آثار اورارتویی شناخته شده متعلق به ربع سوم قرن نهم ق.م. است (پیوتروفسکی، همان: ۹۷).

آثار اورارتوها در ترکیه، ایران، عراق و ارمنستان فعلی بر جای مانده است ولی سرزمین‌های میان دریاچه‌های وان، ارومیه و سوان مرکز اقامت آنان بود و در ایران عمدتاً در آذربایجان شرقی و غربی (شمال و جنوب دریاچه ارومیه) می‌توان آثار اورارتویی را یافت.<sup>۹</sup> زیمانسکی<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵) می‌گوید اورارتو شامل سواحل سه دریاچه وان، سوان و ارومیه است. به گفته پیشونه<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۹)، قلمرو اورارتو میان دجله علیا و فلات ایران است. تاکنون آثار اورارتویی در شمال و غرب دریاچه ارومیه در محدوده آذربایجان غربی و شمال تبریز و بخشی از سیلان در آذربایجان شرقی و منطقه کوچکی از جنوب دریاچه ارومیه در هر دو استان آذربایجان شناسایی شده است (همان). بلّی<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۳-۲۰۰۴) می‌گوید سرزمین اورارتو از شمال به ماورای قفقاز، از شرق به شمال غرب ایران، از غرب به فرات و از جنوب به جنوب شرق

<sup>1</sup> - Salvini, M.

<sup>2</sup> - Grekyan, Y.

<sup>۳</sup> - اورارتویی‌ها خود را بیاینی (Biaini) یا بیانیلی (بلی، ۲۰۰۳-۲۰۰۴) یا (a Bia=i=ne=le (ویلهم، ۲۰۰۲) می‌نامیدند. البته در متون آشوری از اورارتو با نام «سرزمین‌های نائیری» یاد می‌شود ولی در نوشته‌های ساردوری اورارتویی و ایشپوینی، فرزند او، نیز «کشور نائیری» آمده است (پیوتروفسکی، ۱۳۴۸: ۲۸-۳۰). ساردوری، پسر لوتیپری، کشور اورارتو را بنا نهاد (همو، ۱۳۸۳: ۸۴). عنوان کشور اورارتو برای اولین بار در سالنامه آشوری نصیرپال دوم روی مجسمه‌های یادبود کاخ او در کالاخ نقر شد که او از سرچشمه‌های سونبات (Subnat) (بخش علیای دجله) تا کشور اورارتو را فتح کرده است و همانجا ذکر می‌شود که به سرزمین نائیری یا همان اورارتو لشکر کشی و استحکامات آن را ویران کرد (همان: ۸۰).

<sup>4</sup> - Piotrovskii, B

<sup>5</sup> - Sarduri

<sup>6</sup> - Lutpri

<sup>7</sup> - Išpuini

<sup>8</sup> - Melikshvili

<sup>۹</sup> - محوطه‌های اورارتویی در ایران در کردستان، آذربایجان شرقی، اردبیل و شمال آذربایجان غربی شناسایی شده است و از محوطه‌های معروف می‌توان به گیچلر، هفتوان<sup>۴</sup>، کردلار<sup>۱</sup> و <sup>۲</sup>، حسنلو<sup>۴</sup>، دینخواه<sup>۳</sup>، ارسلان قلعه (غرب میاندوآب)، بویوک قلعه (در دامنه شمال غربی سهند)، آق قلعه، سیاه‌چشمه، خوی، مرند، تبریز، میاندوآب، مراغه، سراب و زیویه اشاره کرد (کرول، ۲۰۱۱).

<sup>10</sup> - Zimansky, P.

<sup>11</sup> - Biscione, R.

<sup>12</sup> - Belli, O.

کوه‌های توروس<sup>۱</sup> می‌رسید و چون پایتخت آن در وان قرار داشت گاهی به نام پادشاهی وان خوانده می‌شود. در واقع از حدود ۸۰۰ ق.م. مناطق جنوب غرب، غرب، شمال غرب و شمال شرق دریاچه ارومیه جزء قلمرو اورارتوها بود. بنابر این تمام قسمت‌های استان آذربایجان غربی به استثناء بخش جنوبی اطراف میاندوآب و بخش غربی آذربایجان شرقی تا منطقه اهر تحت سیطره اورارتوها قرار داشت (کلایس<sup>۲</sup>، ۱۳۸۸).

کتیبه‌های اورارتویی تقریباً در بیشتر نواحی‌ای به دست آمدند که تحت تسلط اورارتویی‌ها بود. در شمال غرب ایران نیز تعدادی کتیبه و استل‌های اورارتویی پیدا شدند (پیوتروفسکی، ۱۳۸۳: ۳۵۴) که می‌توان به استل‌های (کتیبه‌های یادمانی) کلشین و مرگ کاروان و کتیبه‌های صخره‌ای نشتبان، رازلیق، سقندل، داش‌تپه، اهر و بسطام اشاره کرد.

### ۳- زبان و خط اورارتوها

امروزه اورارتویی را با زبان حوری<sup>۳</sup> قیاس می‌کنند (میلیکشویلی، ۱۳۸۷: ۱۶). دیاکنف و میلیکشویلی بر این نظرند که اورارتویی لهجه‌ای از حوری نیست بلکه زبانی مجزا است که زبان مادری مشترکی با حوری‌ها دارد (بندیکت<sup>۴</sup>: ۱۹۶۰). به گفته فورنت<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) نیز اورارتویی زبانی منشعب از حوری نیست بلکه هم‌خانواده آن است و احتمالاً زبان مادری در شمال شرق بین‌النهرین و در دامنه‌های کوه‌های قفقاز در هزاره سوم ق.م. وجود داشته است که این دو از آن نشأت گرفته‌اند. همچنین اورارتویی با خانواده زبان‌های قفقازی<sup>۶</sup> و گرجی و عیلامی شباهت‌هایی دارد (میلیکشویلی، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰). به نظر پیوتروفسکی (۱۳۸۳: ۳۲۵) زبان اورارتویی جزء زبان‌های بومی منطقه است و به خانواده زبان‌های قفقازی تعلق دارد.

سیستم صرف اورارتویی با زبان کارتاولی قفقازی شبیه است. این زبان در شکل ظاهری ریشه‌ها و پسوندها بیشتر به زبان گرجی می‌ماند. همچنین فراوانی ضمائر و پسایندها در حالت فاعلی و ریشه فعلی مشابه زبان عیلامی است. البته واژگان عیلامی شباهتی با واژگان اورارتویی ندارند (میلیکشویلی، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰).

<sup>۱</sup>- Toros

<sup>۲</sup>- Kleiss

<sup>۳</sup>- اقوام حوری زبان در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول ق.م. از شمال سوریه تا منطقه زاگرس و حوزه جنوبی و غربی دریاچه ارومیه استقرار داشتند (ملازاده، ۱۳۸۳: ۳۴۷). زبان حوری‌ها غیرهندواروپایی و غیرسامی بود (ویتنر، ۱۳۸۷) که از چهارمین هزاره ق.م. در بخش‌هایی از بین‌النهرین و قفقاز و بعدها حتی در جنوب آناتولی و زاگرس، سوریه و چند ناحیه دیگر رایج بود (فورنت، ۲۰۱۱).

<sup>۴</sup>- Benedict, W.C.

<sup>۵</sup>- Fournet, A.

<sup>۶</sup>- زبان قفقازی در شمال و جنوب کوه‌های قفقاز میان دریای سیاه و دریای خزر سخن گفته می‌شد (کاتزیر، ۱۹۷۵: ۲۰).

اورارتوها از سه روش نگارش میخی آشوری، میخی اورارتویی و هیروگلیف استفاده می‌کردند (موسسیان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۹۶). کتیبه‌های دوزبانه میخی اورارتویی گاهی با هیروگلیف اورارتویی یا میخی آشوری همراه بود (همان: ۱۹۳).

هیروگلیف اورارتویی احتمالاً پیش از منوآ (حدود ۸۱۰-۷۸۰/۷۸۵ ق.م.) و حداقل در زمان ایشپوینی شکل گرفته است که تا پایان دوران اورارتوها، همزمان با خط میخی، استفاده می‌شد (همان: ۷۶). ولی هیروگلیف پاسخگوی نیازهای اورارتوها نبود و به همین دلیل اورارتوها خط میخی را، که تقلیدی از خط آشوری بود، به کار گرفتند (پیوتروفسکی، ۱۳۸۳: ۵۴). در زمان ساردوری اول از خط میخی آشوری‌ها برای نوشتن استفاده می‌شد ولی بعدها آشوری زبان و خط دوم شد. در زمان ایشپوینی، پسر ساردوری، خط میخی محلی و بومی بر اساس نشانه‌های میخی آشوری ابداع شد (موسسیان، ۲۰۰۶: ۵۶). کتیبه‌های سلطنتی، مذهبی، نظامی، هنری، اقتصادی و فرهنگی و نوشته‌های مربوط به زندگی روزمره به خط میخی نگاشته می‌شد و بر انواع رزم‌افزارها، مهرهای سلطنتی و مذهبی، پیکرک‌ها، صخره‌ها، استل‌ها (کتیبه‌های یادمانی)، الواح، اشیاء فلزی، زیورات، اثاثیه، ظروف سفالی و آثار دیگر دیده می‌شود (همان: ۱۹۱) که گاهی این کتیبه‌ها کوتاه و گاه بلند و حاوی اطلاعات فراوان‌اند.

#### ۴- الگوهای نوشتاری اورارتوها

در استفاده از واژگان و روایت مطالب و استمداد از خدایان و نفرین بر نابودکنندگان کتیبه یا اثری که شاه اورارتویی ساخته است در طول پادشاهی اورارتوها در کتیبه‌های اورارتویی تفاوت قابل ملاحظه‌ای ایجاد نشد. البته این مسئله از ارزش کتیبه‌ها نمی‌کاهد و اطلاعات قابل ملاحظه‌ای از مطالعه کتیبه‌های اورارتویی درباره تاریخ، جغرافیا، باورها و زندگی اورارتوها به دست می‌آید. ولی همین اطلاعات نیز گاهی نامفهوم‌اند.

نوشته‌های اورارتوها عمدتاً به زبان فرمول است (گوردزینی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱) و در کتیبه‌های آنها محتوای قالبی دیده می‌شود. جمله‌بندی کتیبه‌های اورارتویی کوتاه و روشن و کاربرد نه چندان صرفه‌جویانه اندیشه‌نگارها از جمله مشخصات کتیبه‌های اورارتویی است (فریدریش<sup>۴</sup>، ۱۳۶۸: ۸۵).

به گفته زیماسکی کتیبه‌های اورارتویی به لحاظ موضوعی شامل کتیبه‌های عمومی و غیرعمومی می‌شد که اولی شامل ثبت و ضبط دایمی (مانند کتیبه‌های ساختمانی، سالنامه‌ها، فهرست‌ها، وقایع‌نگاری و پیشکشی) و دومی متون اداری و نامه‌های درباری ارسالی و دریافتی بود که اکثراً، کتیبه‌های سلطنتی‌اند (زیمانسکی، ۱۹۸۵: ۴). به نظر ویلهلم<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) نیز دو گونه کتیبه می‌توان برای اورارتوها

<sup>1</sup> - Movsisyan, A.

<sup>2</sup> - Menua

<sup>3</sup> - Gordeziani, L.

<sup>4</sup> - Friedrich, J.

<sup>5</sup> - Wilhelm, G.

نسبت داد: ۱. ساخت و ساز شاهان؛ ۲. کتیبه‌های روایت‌کننده نبردها. البته گروهی دیگر از کتیبه‌های اورارتویی نیز باقی مانده است مانند مهر کاپیسی<sup>۱</sup> که شیوه نوشتاری متفاوتی دارد. همه کتیبه‌هایی که در این مقاله بررسی می‌شوند از نوع کتیبه‌های سلطنتی و بیشتر کتیبه‌های طولانی‌اند. کتیبه‌های کوتاه آماری و اقتصادی در این نوشته بررسی نشده‌اند. موسسیان (۲۰۰۶: ۱۹۳) شباهت ساختار و اصطلاحات کتیبه‌های اورارتویی را تأثیر مستقیم آشوری‌ها و حتی‌ها بر روی اورارتوها می‌دانند. این متون درباره حمله‌ها، ساخت و ساز (شهر و کاخ و معبد و کانال و دیگر سازه‌ها)، مذهب و زندگی اداری - اقتصادی نوشته شده‌اند.

ساختار متون اورارتویی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: مقدمه، متن اصلی و مؤخره. همه این بخش‌ها به صورت کلیشه‌اند و در عین حال تفاوت‌هایی دارند. معمولاً مقدمه‌ای به خدای خالدی، بزرگ-ترین خدای اورارتوها، تقدیم شده است و ساخت‌وساز، پیشکش قربانی، یورش، پیروزی و جمع‌آوری غنایم از بخش‌های متن اصلی به شمار می‌رود. در پایان قدرت شاه پیروز، دعای شاه زنده و نفرین بر خرابکاران آورده می‌شد و گاهی شاید فقط متن اصلی بدون مقدمه و مؤخره بود (همان: ۱۹۲). البته باید گفت سطرهای آغازین کتیبه‌ها گاهی به جز خالدی جملاتی در ستایش یک یا چند خدا دارند (پیوتروفسکی، ۱۳۸۳: ۳۰۳).

فرنکل<sup>۲</sup> (۱۹۷۹: ۲۹) یکی از الگوی خاص و کلی شاهان اورارتویی را این گونه توضیح می‌دهد که در نگارش پیروزی‌های‌شان می‌نوشتند «ارابه خالدی جلوتر راند، به سرزمین «X» حمله کرد، به شهر «Y» حمله کرد که به «نام شاه» شورش شده بود. با قدرت فوق‌العاده خالدی با ارابه خالدی با قدرت خالدی شاه، پسر «Z»، پیش رفت، خالدی پیش از او می‌رفت. همچنین در کتیبه‌های اورارتویی اصطلاحی به این شکل بسیار تکرار می‌شود «به قدرت خدای خالدی<sup>۳</sup> (ویلهم، ۲۰۰۲) ... شاه قدرتمند است» یا «شاه ... است.» یا «شاه به قدرت خدای خالدی ... این بنا (یا کانال یا کاخ یا تاختان) را ساخت». همچنین بسیار تکرار شده است که «با قدرت خالدی من این سرزمین را گرفتم/دشمن را شکست دادم». آرگیشتی می‌گوید به خواست خدای خالدی پیروزی‌های خود را در یک سال کسب کرد. همچنین می‌گوید با قدرت سلطنتی که خالدی به او داد به جای پدر نشست (پیوتروفسکی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). در کتیبه یشیلالیچ کاپیسی<sup>۴</sup> نوشته شده است که به قدرت خالدی ایشیوینی شاه و قدرتمند است (بلی، ۲۰۰۳-۲۰۰۴) C<sup>۵</sup>. در استل سورب‌پاگوس سارودوری می‌گوید «برای خدای خالدی من کارها را در یک سال کردم» که این صورت نیز از جملات قراردادی است (پیوتروفسکی، ۱۳۸۳: ۱۲۷). در برخی کتیبه‌های اورارتویی

<sup>1</sup> - Meher Kapisi

<sup>2</sup> - Frankel, D.

<sup>3</sup> - haldi=i=ne=naušmaši=ne

<sup>4</sup> - Yeşilaliç Door/Yeşilaliç Kapisi

<sup>5</sup> - این گونه جملات را هخامنشیان نیز تقلید کرده‌اند (زمرنی، ۱۹۷۵).

پادشاه به (خدای) خالدی، سرور، (خدای) تیشبا، (خدای) شیوینی، (همه) خدایان (سرزمین) بیانیلی ستایش می‌کند<sup>۱</sup> و می‌گوید خدایان (ستایش‌های او را) شنیدند (گرکیان، ۲۰۰۶). در ساختار الگوهای نوشتاری اورارتویی اصطلاحاتی نیز رایج بود که کتیبه را به خدای خالدی، تیشبا (خدای طوفان) و شیوینی (خدای خورشید) می‌سپردند تا از بلایا در امان بماند (گوردزیانی، ۲۰۰۱).

با اصطلاح «... پسر...»، که پادشاه خود را پسر شاه قبلی می‌خواند و بدین ترتیب نسب خود را با اتکا به پدرش که شاه قبلی بود بیان می‌کرد نیز تقریباً در تمام کتیبه‌ها تکرار می‌شود. مثلاً در ابتدای کتیبه استل کلشین آمده است: «ایشپوینی، پسر ساردوری، ...» (بندیکت، ۱۹۶۱). استل موانا نیز این گونه آغاز می‌شود که «به خالدی، سرور، این استل را روسا، پسر ساردوری، برای زندگی خود نصب کرد (= بر پا کرد)» (سطر ۱-۴) (آندره- سالوینی<sup>۲</sup> و سالوینی، ۲۰۰۲).

هاروتیونیان<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) نیز می‌گوید قالبی وجود دارد که می‌گوید «به بزرگی خالدی»<sup>۴</sup> و بعد می‌گوید «من با ... جنگیدم» که در بسیاری از کتیبه‌ها تکرار می‌شود. در کتیبه مونا از روستای دوزچلی<sup>۵</sup> آورده شده است که: «... به لطف بزرگی خالدی (من) مونا (هستم)، پسر (ایشپوینی، شاه قدرتمند، شاه [بزرگ]، شاه بیانیلی، سرور شهر توشیا» (چاوش‌اوغلو<sup>۶</sup>، ایشیک<sup>۷</sup> و سالوینی، ۲۰۱۰). کتیبه دروازه آبانیس در سطر اول می‌گوید روسا (نیمة اول قرن هفتم ق.م.)، پسر آرگیشتی، به بزرگی خالدی این قلعه را ساخت (سالوینی، ۲۰۰۱ b).

شاه اورارتویی کارهایی را که انجام می‌داد به فرمان خالدی بود. یعنی جنگ‌ها، پیروزی‌ها و ساخت-سازهایی که می‌کرد را به فرمان خالدی پیش می‌برد و «من به فرمان خالدی ...» از دیگر اصطلاحات رایج بود. روسا (حدود ۷۳۰-۷۱۳ ق.م.)، پسر ساردوری، در استل موانا می‌گوید: «من روسا هستم، خادم خالدی، شبان واقعی مردم. به دستور خالدی زمانی که نبردی (درگرفت) من از جنگ نهراسیدم. خالدی به من قدرت و شادی داد. در سال‌های من<sup>۸</sup> کشور بیانیلی را گسترش دادم.» (آندره- سالوینی و سالوینی، ۲۰۰۲)، (سطر ۱۱-۲۶). در معبد زوارتنوس، نزدیک اچمیادزین، روسا، پسر آرگیشتی، بر کتیبه‌اش نوشته است که به فرمان خالدی تاکستان احداث کرده و مزارع اطراف شهر را تخم‌پاشی کرده و اهدای قربانی‌ها به پیشگاه خداوندان را در روز افتتاح کانال فرمان داده است (پیوتروفسکی، ۱۳۸۳: ۷۵-۷۶).

در پایان کتیبه‌های اورارتویی نیز مانند بسیاری از کتیبه‌های باستانی نفرین به نابودکننده اثری که شاه ساخته یا کتیبه‌ای که نوشته است رایج بود. البته فرمول‌های دعاهای رایج در کتیبه‌های آشوری

1 - DINGIR<sup>MES</sup>-ašte<sup>KUR</sup>Biainašte

2 - André- Salvini

3 - Harutyunyan, N.

4 - haldinini alsuišini ... uštadi

5 - Düzceli

6 - Çavuşoğlu, R.

7 - Işik, K.

هرگز در متون اورارتویی استفاده نشده‌اند. نفرین‌نامه‌های کتیبه‌های اورارتویی عموماً شامل دو بخش‌اند:

۱. توصیف کسانی که کاری قبیح انجام می‌دهند؛ ۲. خود نفرین (بندیکت، ۱۹۶۱). بندیکت فرمول نفرین‌نامه‌ها را به سه گونه تقسیم می‌کند: الف. استمداد طلبیدن از خدایان؛ ب. یک بخش اختیاری میانی؛ ج. جملات نفرین (همان). پرداختن به الگوی نفرین‌ها در کتیبه‌های اورارتویی خود مجالی دیگر می‌طلبد و در اینجا فقط به توضیح کلی اکتفا شده است. توصیف نفرین‌شونده اکثراً با واژه «کسی که / هر کس / هر که»<sup>۱</sup> آغاز می‌شود. مگر اینکه گفته شود «هر که دیگری را تشویق کند (؟) این کار را (انجام دهد)» و در ادامه نوشته شود «بگوید برو (آن را) نابود کن» (همان). سپری در آیانیس به خالدی تقدیم شده و کتیبه زیر بر آن نقش بسته است: «کسی که سپر را بردارد... کسی که آب بریزد، کسی که بر آتش خاک بریزد، خدای من، خالدی، او را نابود کند» (سالوینی، ۲۰۰۱). بر استل کِلشین<sup>۲</sup> آمده است که «هر که این *niribe* را از دروازه‌های خالدی ... هر که باعث شود کس دیگری (آن را) ببرد به جایی، هر که آن را پنهان کند ... در شهر اردینی بشنود (که) کسی *niribe* را برده است از دروازه خالدی برده است، هر که آن را تشویق کند، باشد که خالدی تخمه (او را) از زمین پاک کند ... هر که این کتیبه را از این جا ببرد، هر که (آن را) بشکند، هر که باعث شود دیگری این چیزها را (انجام دهد)، بگوید «برو (آن را) نابود کن»، باشد که خالدی، تیشبا، شیوینی، (و؟) خدایان شهر اردینی تخمه (اش) را بر روی زمین پاک کند.» (بندیکت، ۱۹۶۱)، (سطر ۲۸-۴۱).

بنابر آنچه در بالا آورده شد، صورت‌های تکراری فراوانی را می‌توان در کتیبه‌های اورارتویی دید. گویی ابتکار و تنوع در نحوه بیان مطالبی که شاهان می‌خواستند بنگارند نزد اورارتوها پسندیده نبوده یا شاید پیروی از قوانین خاص در بیان مطالب قانونی بود که نباید نقض می‌شد. در این نوشته تلاش بر آن بود تا معروف‌ترین شکل‌های تکراری و فرمول‌های استفاده از اصطلاحات خاص نزد اورارتوها آورده شود و شاید با مطالعه و بررسی بیشتر کتیبه‌های اورارتویی بتوان به صورت‌های تکراری و قوانین نوشتاری بیشتری نیز دست یافت.

## ۵- نتیجه‌گیری

کاتبان مناطق و اقوام مختلف معمولاً روش‌های خاصی برای نوشتن کتیبه‌ها داشتند و این روش‌ها را مانند قوانین همواره رعایت می‌کردند. در این میان اورارتوها نیز معمولاً از روش‌هایی برای نگارش استفاده می‌کردند. ساختار متون اورارتویی معمولاً شامل سه بخش مقدمه، متن اصلی و مؤخره بود. معمولاً مقدمه‌ای به خدایی (معمولاً خالدی) داشتند سپس متن کتیبه را می‌آوردند و سپس در پایان قدرت شاه پیروز، دعای شاه زنده و نفرین بر نابودکنندگان کتیبه ذکر می‌شد و گاهی شاید فقط متن اصلی بدون مقدمه و مؤخره بود.

<sup>1</sup>-aluš

<sup>2</sup>- Kelshin

در کتیبه‌های اورارتویی اصطلاحاتی به شکل «به قدرت خدای خالدی... شاه قدرتمند است»، «شاه ... است»، «شاه به قدرت خدای خالدی ... این بنا (یا کانال یا کاخ یا تاکستان را ساخت»، «با قدرت خالدی من این سرزمین را گرفتم / دشمن را شکست دادم»، «برای خدای خالدی من کارها را در یک سال کردم»، «به (خدای) خالدی، سرور، (خدای) تیشبا، (خدای) شیوینی، (همه) خدایان (سرزمین) بیانیلی ستایش می‌کند و خدایان (ستایش‌های مرا) شنیدند»، «به فرمان خالدی» و «به بزرگی خالدی» بسیار آورده شده است. اورارتوها معمولاً کتیبه‌ها را به خدای خالدی، تیشبا (خدای طوفان) و شیوینی (خدای خوشید) می‌سپردند تا از بلایا در امان باشد و «... پسر...»، که پادشاه خود را بدین ترتیب پسر شاه قبلی می‌خواند، نیز تقریباً در همه کتیبه‌ها تکراری است.

در پایان کتیبه‌های اورارتویی نیز مانند بسیاری از کتیبه‌های باستانی نفرین به نابودکننده اثری که شاه ساخته یا کتیبه‌ای که نوشته است رایج بود. نفرین‌نامه‌های اورارتویی عموماً شامل دو بخش توصیف کسانی که کاری قبیح انجام می‌دهند و خود نفرین بود. ریختار نفرین‌نامه‌ها به سه گونه کلی تقسیم می‌شوند: استمداد طلبیدن از خدایان، بخش اختیاری و جملات نفرین.

## منابع

- پیوتروفسکی، بوریس (۱۳۴۸). اورارتو، ترجمه عنایت ا... رضا، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- پیوتروفسکی، بوریس (۱۳۸۳). تمدن اورارتو (بخش اول: پادشاهی وان اورارتو)، ترجمه حمید خطیب شهیدی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- فریدریش، یوهانس (۱۳۶۸). تاریخ خط‌های جهان و سیر تحولات آنها از آغاز تا امروز، ترجمه فیروز رفاهی، تهران: دنیا.
- کلایس، ولفرام (۱۳۸۸). «آذربایجان»، باستان‌شناسی آذربایجان (از دوره اورارتو تا شروع اشکانی)، ترجمه محمدفیض‌خواه و صمد علیون، تبریز: اختر، ص ۲۳-۳۸.
- ملازاده، کاظم (۱۳۸۳). باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی پادشاهی مانا (پایان‌نامه دکترا)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- میلیکشویلی، گئورگی (۱۳۸۷). زبان اورارتو، ترجمه حمیده بحرانیان، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه.
- وینتر، آیرین جی (۱۳۸۷). «جام زرین حسنلو: سی سال بعد»، مجموعه مقالات جام زرین حسنلو، جلد اول، ترجمه علی صدرایی و صمد علیون، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان غربی، ص ۶۹-۱۰۷.
- André-Salvini, B.; Salvin, M. (2002). "The Bilingual Stele of Rusa I from Movana (West Azerbaijan, Iran)", *SMEA*, Fascicolo XLIV/1, Rome: CNR-Istituto di Studi Sulleciviltadell'Egeo e del Vicino Oriente, pp. 5-66.

- Belli, O. (2003-2004a). "Historical Development of the Kingdom of Urartu", *Urartu: War and Aesthetics*, YapiKredi Cultural Activities, Arts and Publishing in cooperation, pp. 45-73.
- Belli, O. (2003-2004b). "Research into the History of Urartu", *Urartu: War and Aesthetics*, YapiKredi Cultural Activities, Arts and Publishing in Cooperation, pp. 13-43.
- Belli, O. (2003-2004c). "Inscribed Rock Niche Doors and the Urartian Deities", *Urartu: War and Aesthetics*, YapiKredi Cultural Activities, Arts and Publishing in Cooperation, pp. 103-117.
- Benedict, W. C. (1960). "Urartians and Hurrians", *JAOS*, pp. 100-104.
- Benedict, W. C. (1961). "The Urartian-Assyrian Inscription of Kelshin", *JAOS*, Vol. 81, pp. 359-385.
- Biscione, R. (2009). "Proposal of Archaeological Research Programmes in Iran, 1. Azerbaijan (The South-Eastern and Eastern Borders of the Urartian Kingdom in Iran)", Rome: Istituto di StudiSulleCiviltà 'Dell' Egeo e delVicinoOriente, pp.1-14.
- Çavuşoğlu, R.; Işık, K.; Salvini, M. (2010). "New Urartian Inscription from East Turkey", *Orientalia*, vol. 79, FASC1, Rome: Pontifical Biblical Institute, pp. 36-54.
- Fournet, A. (2011) "About Some Features of Loanwords in Hurrian", *Aramazd*, Yerevan: Association for Near Eastern and Caucasian Studies, pp. 43-59.
- Frankel, D. (1979). *The Ancient Kingdom of Urartu*.
- Gordeziani, L. (2001). "To the Interpretation of an Urartian Formula", *Caucasian and Near Eastern Studies*, XIII, Tbilisi: Ivane Javakhishvili Institute of History and Ethnology, pp. 61-62.
- Grekyan, Y. (2006). "The Will of Menua and The Gods of Urartu", *Aramazd*, Vol.I, Yerevan: Association for Near Eastern and Caucasian Studies, pp.150-195.
- Harutyunyan, N. (2009). "New Remarks on the Urartian Lexicon", *Aramazd*, Vol. IV, pp. 86-92.
- Katzner, K. (1975). *The Languages of the World*, London and Henley: Routledge and Kegan Paul.
- Kroll, S. (2011). "Urartian Cities in Iran", in K.Köroglu and E.Konyar (eds.), *Urartu (Transformation in the East)*, YapiKrediYayınlan, pp. 150-160.

- Movsisyan, A. (2006). *The Writing Culture of Pre-Christian Armenia*, Yerevan: Yerevan University Publishers.
- Salvini, M. (2001a). "Royal Inscriptions on Bronze Artifacts", in A. Çilingiroğlu and M. Salvini (eds.). *Ayanis I*, Roma: Istituto per GlistudiMiceneiedEgeo–Anatolici, pp. 271-278.
- Salvini, M. (2001b). "The Inscriptions of Ayanis (RusiahiniliEiduru=Kai) Cuneiform and Hieroglyphic", In A.Çilingiroğlu and M.Salvini (eds.), *Ayanis I*, Roma:Istituto per glistudiMiceneiedEgeo–Anatolici, pp. 251-270.
- Salvini, M. (2002). "Nelregno di Urartu", in De A. R.Periodici (ED.), *Archeo*(EsclusivamondialeI'Eldoradorivelatospeciale la verastoria dell' Urartu), Anno XVIII, No.2 (2004), Febbraio, 57-90.
- Szemerényi, O. (1975). "Iranica V (N. 59-70) 59. OP xšāyaθya 'king'", *ActaIranica* (Monumentun H.S Nyberg), Tehran–Liège:Bibliothèque Pahlavi, pp. 313-394.
- Wilhelm, G. (2002). "Urartian", *CV528*, Woodard, p. 119-130.
- Zimansky, P. (1985). *Ecology and Empire: The Structure of the Urartian State* (Studies in Ancient Oriental Civilization. No.41), Chicago: The Oriental institute of the University of Chicago.
- Zimansky, P. (1995). "Urartian Material Culture as State Assemblage; An Anomaly in the Archaeology of Empire", *Bulletin of the American Schools of Orientl Research*, No. 299/300, The Archaeology of Empire in Ancient Anatolia, Aug-Nov, American School of Oriental Research, pp. 103-115.

سدره ابر

---